

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۲

راهکارهای تربیتی زمینه ساز ظهور؛ برگرفته از احادیث

* علی نقی فقیهی

** رضا جعفری هرنندی

*** حسن نجفی

چکیده

موضوع راهکارهای تربیتی زمینه ساز ظهور از دغدغه های مهم مکاتب فرهنگی، ادیان آسمانی و به ویژه دین اسلام است. هدف نوشتار حاضر، بررسی تعدادی از راهکارهای تربیتی است که در احادیث به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به عنوان زمینه ساز ظهور پرفروغ مهدوی مطرح شده است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده و به منظور گردآوری داده های لازم برای نیل به اهداف پژوهش، منابع حدیثی موجود و مرتبط با راهکارهای تربیتی زمینه ساز ظهور با استفاده از فرم های فیش برداری از منابع جمع آوری شده و با شیوه های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از راهکارهای تربیتی مورد تأکید در این پژوهش می توان به تمهید شرایط رشد شخصیت افراد، معرفی تجربیات و الگوهای برتر مهدوی، فرهنگ سازی مهدوی و آسیب شناسی با هدف آسیب زدایی اشاره کرد.

واژگان کلیدی

راهکارهای تربیتی، زمینه ساز ظهور، مهدویت، احادیث.

* دانشیار دانشگاه قم و مدیر مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی

** استادیار دانشگاه قم

*** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) (hnajafih@yahoo.com)

آرمان‌های یک جامعه بیان‌گر میزان رشد و بالندگی آن جامعه هستند و هر اندازه که متکی بر ارزش‌های والای الهی و انسانی بوده و افق وسیع‌تری را پیش‌روی داشته باشند راه وصول به قله‌های کمال و سعادت را هموارتر خواهند ساخت. امت اسلام، به‌ویژه جهان‌تشیع به دلیل توان بالایی که معارف انسان‌ساز الهی در اختیار آن قرار داده است، ظرفیت گسترده‌ای در رسیدن به جامعه‌ای آرمانی و ایده‌آل دارد. در این میان، نهاد تعلیم و تربیت نهادی پایه‌ای است و یکی از وظایف مهم آن در جوامع ارزشی، هدایت انسان به هستی متعالی (حیات طیبه) است (توانا، مولوی نسب، ۱۳۹۱: ۶۰). از همین روست که تعلیم و تربیت، رسالت اصلی پیامبران^۱ و هدف اصلی ظهور و حکومت حضرت مهدی^{عج} معرفی شده است.

مسیری که تعلیم و تربیت اسلامی در آن قرار دارد بازگشت به تعلیمات، دعوت‌ها و هدایت‌های پیامبران الهی و امامان معصوم^ع است تا در پرتو هدایت‌های آنان، انسان از جهل و نادانی‌های مکاتب بشری رهایی یابد و راه منطبق با فطرت را بازشناسی کرده و مسیر تکامل را هموار سازد. در این میان «اندیشه و باورداشت مهدویت» از جمله آموزه‌های وحیانی است که در منظومه اندیشه شیعی به سان خورشید نورافشانی می‌کند و ریشه در پاسخ به نیازهای فطری بشر دارد؛ فطرتی که او را به بهروزی و کمال‌طلبی و امید وصول به آینده‌ای تابناک می‌خواند و گسترش فرهنگ خداپاوری، عبودیت، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و شکوفا شدن تمامی استعدادهای بشری را نوید می‌دهد؛ باوری که در دل خودگوهری چون «انتظار» را پرورانده است؛ انتظار ظهور رادمردی از سلاله پیامبر خاتم^ع که هم‌نام و سیره اوست و ارزش‌هایی را که جدّ بزرگوارش برای محقق آن مبعوث شده است احیا می‌کند؛ «بقیة الله» و ذخیره خداست برای «یوم موعود» تا عدل و داد را بگستراند و بساط ظلم و جور را برکند؛^۲ «انتظار»ی که سازنده است و جامعه را به پویایی و حرکت وامی‌دارد و نه تخدیر، انفعال و انتظاری که «شناخت و معرفت امام»، «ایمان به غیبت و وعده‌های الهی»، «صبر و استقامت»،

۱. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ». (جمعه: ۲)

۲. وَأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ دُعَاءٌ وَهُدَاةٌ تُشَدِّكُمْ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۴، ۳۸)

۳. امام حسن عسکری^ع: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ أَزَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ خَلْقًا وَخَلْقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَظُلْمًا. (همو: ج ۵۱،

«امید و اشتیاق»، «کمال طلبی»، «تولّی و تبرّی را همراه خود دارد؛ مؤلفه‌هایی که توجه به اهمیت و ارزش آن می‌تواند حیات‌بخش جامعه باشد و آرمان‌های الهی را در آن زنده کند. تبیین راهکارهای تربیتی زمینه‌ساز که در آموزه‌های روایی ما مطرح شده به عنوان هدف اصلی این پژوهش، یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند زمینه‌ساز ظهور انسانی کامل شود که مؤید به عصمت و علم الهی بوده و جایگاهی بس عظیم در نظام هستی دارد تا بدان جا که اگر نباشد زمین اهل خود را فرو خواهد برد و اساس آفرینش بیهوده خواهد شد.^۱ روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است. بر این اساس برخی از آموزه‌های دینی در قلمرو تعلیم و تربیت، توصیف محتوایی شده و راهکارهای تربیتی زمینه‌ساز ظهور، تبیین گردیده است. جامعه این پژوهش، شامل متون حدیثی مرتبط با مبانی نظری و پژوهشی راهکارهای تربیتی زمینه‌ساز ظهور است. از میان متون حدیثی، مواردی که ارتباط بیشتری با اهداف پژوهش داشتند به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این نوشتار، به منظور گردآوری داده‌ها از فرم‌های فیش برداری از متون حدیثی استفاده شده است.

مبانی نظری

برای ورود به بحث، به چند نکته مهم به عنوان مبانی نظری می‌پردازیم:
 ۱. تعبیر زمینه‌ساز ظهور از روایت نبوی ﷺ گرفته شده است که فرمود:

يُخْرِجُ نَاسًا مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتُونَ لِمَهْدِي سُلْطَانَهُ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۷۸)

مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام مهدی ﷺ فراهم می‌سازند.

و به مفهوم فراهم کردن بسترهای تربیتی، روان‌شناختی و اجتماعی است که افراد بتوانند به اهداف تربیتی و رشد و تعالی انسانی مورد نظر در فرهنگ امامت و ولایت نایل گردند؛ حتی در غیبت قائم آل محمد ﷺ به امر آنان متمسک باشند و افزون بر باور قلبی، پیروی عملی را در مسیر هدایت و تربیت مرضی آنان داشته، و سرانجام از حسن مآب برخوردار شوند و از شجره طوبای^۲ ولایت بهره‌مند گردند.

۱. امام صادق ﷺ: لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ. (همو: ج ۱، ۱۷۹)

۲. امام صادق ﷺ: طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزِغْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهِدَايَةِ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَ مَا طُوبَى؟ قَالَ: شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْ أَعْصَانِهَا وَ ذَلِكَ قَوْلُ

۲. زمینه‌سازی تربیتی همان دعوت به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ و فراهم‌سازی بستر برای التزام عملی به دین و دین‌داری همه‌جانبه است که امام عصر علیه السلام بدان عنایت دارد. به تعبیر دیگر، آراستگی به جنبه‌های اعتقادی، اخلاقی و عملکردی دین در حیطه‌های فردی، الهی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مانند آن، سبب شکل‌گیری ساختار شخصیت مطلوب انسانی در افراد می‌گردد که صاحب ظرفیت همراهی با معصومان علیهم السلام می‌شوند و در تحقق اهداف امام علیه السلام و احیای ارزش‌های فطری مانند ارزش‌هایی چون عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، نوع‌دوستی و احترام به حقوق دیگران، او را یاری خواهند کرد (آیتی، ۱۳۹۰: ۵۹ - ۶۰).

۳. زمینه‌سازی برای جامعه امام زمانی، به تربیت افراد نیازمند است. سنت الهی - همان‌گونه که در آیه ۱۱ سوره رعد^۲ بیان شده، این است که تا افراد تربیت نشوند و تحول و رشد نیابند، جامعه نیز تحول رشدی نخواهد یافت. همچنین نعمت ظهور امام زمان علیه السلام و حاکمیت نظام مهدوی به تحولات تربیتی افراد بستگی دارد؛ زیرا که بدون آن، نعمتی اجتماعی در اراده خداوند (انفال: ۵۳). متغیر نخواهد شد.^۳

۴. از دیدگاه اسلام، رویکرد فراهم‌سازی زمینه ظهور، رویکردی تربیتی است. این رویکرد حاکی از دو نوع زمینه‌سازی به عنوان وظیفه دینی است. یک وظیفه فردی که هر مؤمنی باید خود را در مسیر ولایت مهدوی پرورش دهد و در مراتب ایمانی و تقوایی سیر صعودی داشته باشد و دیگر این که همه مؤمنان به عنوان پیروی از امام علیه السلام در اصلاح و ارتقای همدیگر موظف به کوشش و تلاشند و باید به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند و در ارتباط با یکدیگر نقش تربیتی و هدایتی را ایفا نمایند تا جامعه به بلوغ اجتماعی جامعه منتظر برسد و از شاخصه‌های آن برخوردار شود. یعنی باور و رغبت اجتماعی به دولت کریمه مهدوی علیه السلام (تولّی)، نفرت و شکایت از ستمگری‌ها و ضد ارزش‌ها (تبری) و اقدامات عملی در مبارزه با ضد ارزش‌ها و کمک از خداوند در این فعالیت‌ها، می‌تواند تحولی تربیتی را ایجاد کند که جامعه مهبیای ظهور گردد (سهرابی، ۱۳۸۹: ۱۹۵ - ۲۱۲). در این راستاست که دین‌داران وظیفه‌شناس با یکدیگر مؤانست و معاشرت^۴ داشته و جامعه‌ای به هم پیوسته و با روابطی منسجم و قوی تشکیل

۱. اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿طُوبَى لِمَنْ هُوَ حَسُنَ مَا يَبِيءُ﴾. (همو: ج ۵۲، ۱۲۳)

۲. امام محمد باقر علیه السلام: يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ. (همو: ۳۴۳)

۳. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾. (رعد: ۱۳)

۴. ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۰، ۳۱۰)

۵. ﴿رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾. (فتح: ۲۹)

می دهند و نظام تربیتی را برنامه ریزی می کنند که زمینه تعلیم و تربیت مهدوی را فراهم سازند. با چنین زمینه سازی، عدالت طلبی و ظلم ستیزی^۱ در جامعه حاکمیت می یابد و زمینه تحقق عدالت جهانی مهدوی را فراهم می آورد.

۵. تربیت افراد، مرهون راهکارها و شیوه های تربیتی است. شیوه های تربیتی که از دل اصول کشف شده از مبانی تربیتی، یعنی هستی ها و دارایی های آدمی برمی خیزند و راه و مسیر نیل به هدف را هموار می سازند. موفقیت مؤمن در مسیر تکاملی و تحولات تربیتی و اخلاقی و رسیدن به جایگاهی که از اصحاب ولّی عصر^ع محسوب شود و بتواند رهرو راستین حضرتش باشد، در سایه راهکارهای تربیتی صحیح، میسر است. این روش هاینکه آسیب زدایی تربیتی، تزکیه روانی، پرورش صفات کمالی، ارتقا بخشی شخصیت انسانی و نیل به سعادت را سبب می شوند. شناسایی راهکارهای تربیتی درست و روشن و به کار بستن آن ها اهداف عالی و کرامت انسانی را محقق می سازند. امام علی^ع فرمود:

عَلَيْكَ بِمَنْحِ الْإِسْتِقَامَةِ فَإِنَّهُ يَكْسِبُكَ الْكِرَامَةَ وَيَكْفِيكَ الْمَلَامَةَ؛ (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳: ج ۴، ۲۹۴)

شیوه استقامت پیشه کن که آن انسان را کرامت و شرافت می بخشد و او را از کارهای ملامت بار باز می دارد.

۶. نظام تربیتی زمینه ساز مهدوی، نظامی پویاست. ضمن این که این نظام با ویژگی های فطری انسان منطبق است، اصول، روش ها و کارکردهایش همواره هماهنگ با دگرگونی های محیطی و شرایط زمانه، شاداب و زنده نگاه داشته می شود؛ زیرا روش ها، ابزارها و راهکارهای تربیتی با شرایط هماهنگ هستند که در به فعلیت رساندن استعداد های ظرفیت یافته سرشتی به مرتبه کمک می کنند (هوشیار، ۱۳۶۵: ۲۲). آموزش های غیرمستقیم و تأکید فراوان متون دینی بر آن، از نقش مهم آن در تربیت حکایت دارد. شیوع عملی امور خیر توسط عده ای، زمینه ساز عامل بودن آن ها در بین مردم است. از این رو امام صادق^ع فرموده اند:

كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بَعْدَ السُّنَّتِكُمْ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷، ۷)

مردم را با عملتان نه با زبانتان به سوی کارهای خوب سوق دهید.

راهکارهای تربیتی زمینه ساز ظهور

در این نوشتار، به چهار دسته از راهکارهای تربیتی زمینه ساز مطرح شده در احادیث اشاره

۱. امام علی^ع: كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا. (همو: ج ۴۲، ۲۵۶)

می‌شود. این چهار دسته عبارتند از: ۱. تمهید شرایط رشد شخصیت افراد، ۲. معرفی تجربیات برتر مهدوی، ۳. فرهنگ‌سازی مهدوی، ۴. آسیب‌شناسی با هدف آسیب‌زدایی. در ادامه به توضیح هر یک می‌پردازیم.

۱. تمهید شرایط رشد شخصیت افراد

رشد ویژگی‌های انسانی و شخصیتی در جنبه‌های گوناگون و تقویت آن‌ها، فراهم آورنده زمینه پرورش افراد امام‌زمانی است؛ زیرا افرادی که به ویژگی‌های شخصیتی انسانی متصف می‌شوند و آن‌ها را در خویش تقویت می‌کنند، از سلامت شناختی، عاطفی و عملکردی، در سطوح بالا برخوردار می‌گردند. کسانی که صاحب سلامت شناختی می‌شوند و به معرفت صحیح یقینی نسبت به خدا می‌رسند، هماهنگی آن را با فطرتشان می‌یابند و گرایش مثبت و محبت آنان به خدا تقویت می‌گردد. توأم شدن آن شناخت و این عوامل مثبت اعتقاد و باور به متعلقات ایمان را در آنان بارورتر می‌سازد و زمینه فعالیت‌های ارزشی و تربیتی مناسب را فراهم می‌سازد و سبب رشد دین‌داری می‌گردد. در ادامه به تعدادی از ویژگی‌های شخصیتی که رابطه‌ای تنگاتنگ با مهدویت و تربیت مبتنی بر ظهور دارند و در احادیث بر آن‌ها تأکید شده است پرداخته می‌شود:

الف) احساس عزت و خودارزشمندی

عزت‌یابی و نیل به احساس ارزشمندی زمینه‌ساز تربیت مهدوی است. قرآن کریم در آیه پنجم سوره قصص^۱ از مستضعفانی یاد می‌کند که در سایه لطف خداوندی که بر آنان منت گذاشته می‌شود به عزت و احساس ارزشمندی دست می‌یابند. این احساس عزت، زمینه فعالیت‌های تربیتی را فراهم می‌سازد که بتوانند نه تنها متریبان خوبی باشند، بلکه زمینه را برای هدایت و حاکمیت امام مهدی علیه السلام پدید آورند و امامان و وارثان زمین گردند. عزت اجتماعی و سیاسی جامعه ایمانی مهدوی مبتنی بر عزت روان‌شناختی و احساس ارزشمندی افراد مؤمن در خویشتن است. از این رو در تربیت زمینه‌ساز ابتدا باید احساس عزت نفس در افراد پرورش یابد تا به اصحاب مهدی علیه السلام پیوند بخورند.

عزت نفس، عبارت است از احساس ارزشمند بودن که با درک خود، توانمندی‌های خود و خودباوری واقعی همراه است و فرد با توجه به اهداف ارزشمند خویش، نسبت به زندگی احساس خوبی دارد. این حس طبیعی می‌تواند به وسیله افکار، احساسات، عواطف

۱. «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)

و تجربیات ما در طول زندگی تقویت شود. سیستم فکری و عاطفی کسی که دارای احساس خودارزشمندی است، سالم باقی می ماند و با حقایق فطری و دیانت رابطه ای مثبت برقرار می سازد و به رشد و شکوفایی آن همت می کند و برای مقابله با شبهات فکری، رنجش ها و ناکامی ها در زندگی، احساس کارآمدی و شایستگی می کند. خودارزشمندی در واقع به منزله سیستم خودآگاهی ایمن عمل می کند و مقاومت، قدرت و توانایی لازم را برای بازسازی اخلاقی و تربیتی و پیشرفت ایجاد می نماید (کاوندی، صفورایی پاریزی، ۱۳۹۱: ۱۶۶ - ۱۷۱).

در فرهنگ اسلامی، عزت و تربیت دینی معمولاً با هم مطرح می شوند و یکدیگر را تحت تأثیر قرار می دهند. همان گونه که خداوند متعال می فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸)، شخص مؤمن نیز شخصیتی عزتمند دارد و از اموری که بی تقوایی و پستی است، می پرهیزد. همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید:

الْعِزُّ أَنْ تَذِلَّ لِلْحَقِّ إِذَا لَزِمَكَ؛ (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ج ۱۷، ش ۱۲۸۳۱)
عزت آن است که در مقابل حق خوار باشی، وقتی بر تو لازم شد.

عزت نفس و احساس ارزشمندی، خود به خود، باعث حق پذیری و پایبندی به حق می شود و شخص، ارزشمندی احکام الهی را درمی یابد و با درک هماهنگی عزت با ارزش های دینی و معنوی، نسبت به قانون پروردگار احساس وظیفه شناسی می کند و به امور اخلاقی مانند صداقت و راستی پایبندی نشان می دهد و خود را از جهالت و اعمال ضد اخلاقی که با ذلت همراه است^۱ برحذر می دارد.

احساس خودارزشمندی پیامدهای بسیاری دارد، از جمله: قدرت ادراکی فرد به خصوص درباره مباحث دینی مثل ظهور، افزایش می یابد و در مقابله با شبهات دینی توانمندتر می شود و نسبت به احساسات و افکار خود به ویژه عقاید دینی برخاسته از فطرتش تردید نمی کند. همچنین از ابراز شبهات، ترس به خود راه نمی دهد و برای رفع آن ها با علمای دین، به گفت و گوی منطقی می پردازد. با آنان ستیزه نمی کند و از گرفتار شدن به آشفتگی های فکری و شهوانی (شریف رضی، ۱۳۸۷: حکمت ۴۴۹) و اضطراب و پریشانی عاطفی نسبت به دین داران مصون می ماند.

۱. امام صادق علیه السلام: الصِدْقُ عِزٌّ وَالْجَهْلُ ذُلٌّ. (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ج ۱۷، ش ۱۲۸۳۳)

ب) تبیین دیدگاه خدا و اولیای دین درباره افراد متربی

از شرایط تمهیدی برای رشد شخصیت متربی، تبیین دیدگاه خدا و اولیای دین درباره وی است. متعلم و متربی هنگامی که درمی یابد خدای متعال و اولیای دین، به ویژه امام زمانش، نگاهی کرامتی و شخصیتی والا به وی دارند^۱ و او را دارای نعمت‌های گران بهایی چون توانمندی‌های عقلانی، عواطف انسانی معنوی، مسئولیت‌پذیری و استقلال‌طلبی می‌دانند و آن قدر امامش برای او قدر و منزلت قائل است که برای عافیت و سلامتی او دعا می‌کند و حشر او را در دنیا و آخرت با خودشان از خدا می‌خواهد، احساس شخصیت می‌کند. همچنین وقتی بداند وی محبوب خداست و مقامش به منزله برخی ملائکه مقرب اوست^۲ و والدین موظفند قدر او را به عنوان مشاور و وزیر کارآمد بدانند و از افکار جوان و بکروی استفاده کنند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۹۵)، در این صورت است که جوان متربی با احساس ارزشمندی از توجه ویژه خدا و اولیای دین به وی، رابطه نگرشی و عاطفی اش با خدا، اولیای دین، تربیت مهدوی و مراتب دیانت، محکم‌تر و کامل‌تر می‌شود.

ج) توجه به افکار منطقی و عواطف و فعالیت‌های متربیان

برجسته ساختن افکار، احساسات و رفتارهای مثبت افراد در احساس شخصیت و تقویت آموزه‌های دینی آنان مؤثر است و آنان را از فعالیت‌های منفی و ضد اخلاقی بازمی‌دارد. نوجوانی از انصار در نماز جماعت حاضر شد، ولی رفتارهای زشتی نیز از او سرزد. بزرگسالان از این امر آشفته شدند و برای چاره‌جویی به خدمت رسول اکرم ﷺ رسیدند. پیامبر ﷺ در پاسخ، آنان را به رفتار مثبت نوجوان که همان حاضر شدن به نماز جماعت بود، توجه دادند و فرمودند که همین رفتار نیکش سرانجام، روزی او را از این‌گونه رفتارهای نادرست بازمی‌دارد و چنین نیز شد (همو: ج ۸۲، ۱۹۸).

توجه به تمایلات و عواطف متربی و رویکردهای متفاوت وی و هماهنگ‌سازی آموزش و پرورش او با آن‌ها می‌تواند در فهم و بصیرت و رشد تربیتی او مؤثر باشد. امام رضا علیه السلام فرمود: همانا دل‌ها را رویکردی نشاطی یا روی‌گردی فراری است. به هنگامی که روی می‌آورند، با فهم و بصیرت می‌شوند و هرگاه پشت‌کنند، خسته و ملولند. بنابراین به گاه روی‌آوری و نشاطشان به آن‌ها رابطه آموزشی و تربیتی برقرار سازید و به گاه روی‌گردانی و ضعفشان، آن‌ها را به حال خود رها سازید. (همو: ج ۷۸، ۳۵۳)

۱. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا». (اسراء: ۷۰)

۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه: «... أَلْبَسَكَ اللهُ الْعَافِيَةَ وَجَعَلَكَ مَعْنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...» (متقی هندی، ۱۳۹۷: ش ۴۳۱۰۶)

د) شکل دادن روابط اجتماعی براساس عدل و احسان

از جمله ابعاد رشد شخصیت، رشد اجتماعی افراد است که در نظام تعلیم و تربیت مهدوی بسیار مهم است؛ زیرا در سایه آن، افراد به وظایف اجتماعی و روابط تربیتی بهینه نسبت به یکدیگر همت می‌گمارند و زمینه ظهور را فراهم می‌سازند. پرورش تدریجی شخصیت اجتماعی افراد و شکل دادن روابط اجتماعی آنان براساس عدل و احسان زمینه‌ساز پدید آمدن جامعه بالنده تربیتی است. افراد مؤمن به اهداف حکومت و ولایت امام زمان علیه السلام نسبت به پدید آمدن شرایط چنین جامعه‌ای احساس تکلیف می‌کنند و برای فراهم سازی شرایط ظهور وظایفی یکدیگر دارند. محور این وظایف، عدل و احسان است^۱. اجرایی کردن عدل و احسان توسط مؤمنان، سبب می‌شود زمینه تحقق عدالت اجتماعی، به عنوان برجسته‌ترین اهداف حکومت و ولایت ولی عصر علیه السلام در میان جامعه بشری فراهم گردد. روابط اجتماعی براساس عدالت و احسان، پیوندی انسانی میان همه افراد مؤمن برقرار می‌سازد. آن‌ها نسبت به یکدیگر قرابت و همدری احساس می‌کنند و به کمک هم می‌شتابند و برای رفع نیاز یکدیگر اقدام می‌کنند. آنان اخلاق اجتماعی را در میان خود نهادینه می‌سازند و با رفتارهای ارزشی، زمینه پرورش و ارتقای شخصیت اجتماعی یکدیگر را فراهم می‌کنند و جامعه را برای قیام به قسط آماده می‌کنند که این از خواسته‌های مهم انبیا علیهم السلام و امام زمان علیه السلام است.

ه) برقراری ارتباط عاطفی در کنار حمایت‌ها

درک و ایجاد ارتباط عاطفی با افراد، در رشد شخصیت و احساس ارزشمندی و روی آوردن وی به امور پسندیده تأثیر دارد. از این رو به این شیوه ارتباطی با افراد در متون دینی توصیه شده است^۲. ارتباط عاطفی و حمایتی مؤمنان با یکدیگر از مهم‌ترین راهکارهای تربیتی است که قرآن آن را ویژگی افراد مؤمن به عنوان «رحماء بینهم»^۳ مطرح کرده است. این راهکار به تحول در روابط میان مؤمنان نظر دارد؛ تحولی که زندگی فرد را با زندگی جامعه ایمانی، گره عاطفی می‌زند؛ چنان‌که در تبادل بر و محبت و مهرورزی نسبت به یکدیگر، همانند یک

۱. امام صادق علیه السلام: لیس لله امر الّا العدل و الاحسان. (قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۳۸۸)

۲. «... لیتقوم الناس بالقسط...». (حدید: ۲۵)

۳. اوصیکم بالشتان خیراً. (فرید تنکابنی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۳۴۹)

۴. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». (فتح: ۲۹)

پیکرند. درد دیگری، درد خود پنداشته می‌شود و مشکل دیگری را مشکل خویش دانسته و تمام توان خود را در رفع آن به کار می‌گیرد.^۱ مؤمنان بر محور دوستی رفتار اجتماعی خود را پی‌ریزی می‌کنند و می‌کوشند هیچ کلام و عملکردی نسبت به یکدیگر نداشته باشند که در آن محبت و مودت جلوه‌گری نکند؛ زیرا آنان با هم اخوت دارند و محبت به یکدیگر را محبت به خویش و خانواده خویش می‌دانند.^۲ این نوع رفتار مودتی، از بینش و عاطفه درونی و باور قلبی آنان سرچشمه می‌گیرد و به صورت آبراه‌های زلال درمی‌آید و در رگ‌های جامعه جریان می‌یابد. آن‌گاه تربیت و اخلاق افراد را حیات می‌بخشد و بر تربیت زمینه‌ساز ظهور و حاکمیت توتلی در جامعه ایمانی، به صورت همه‌جانبه و عمیق اثر می‌گذارد.

۹) پرورش روحیه اخلاقی و معنوی

شخصیت اعتقادی با تمایل فطری بشر به خدا و صفات و افعال ارزشی سبب آن است که هر قدر این عواطف در مرتبه پرورش یابد، ابعاد شخصیتی او رشد می‌یابد. مثلاً با پرورش خداشناسی و خدا دوستی، شخصیت اعتقادی و عاطفی فرد با خدا تقویت می‌گردد و با پرورش میل به حق‌طلبی، شخصیت حق‌گرایی و حق‌خواهی رشد می‌یابد و با پرورش نوع دوستی، شخصیت عاطفی و اجتماعی مرتبه بالنده می‌گردد و به طور کلی با پرورش گرایش‌های اخلاقی و معنوی، شخصیت اخلاقی و معنوی مرتبه‌ای، متعالی می‌شود. از سوی دیگر، فرد دارای شخصیت متعالی و معنوی، می‌کوشد به انجام افعال ارزشی در ابعاد فردی و اجتماعی بپردازد. بنابراین ابعاد شخصیتی وجود انسان و انجام فعالیت‌های تربیتی و اخلاقی، با هم رابطه تعاملی دوسویه دارند و پرورش هریک در رشد دیگری مؤثر است. از این رو به طور مثال می‌توان بیان کرد: انجام رفتارهای اخلاقی (عمل صالح) با هم رابطه تعاملی دارند. رشد شناخت یقینی و شخصیت ایمانی در سوق دادن افراد به انجام رفتارهای نیکو و ارزشی مؤثر است و حسن اخلاق و ظهور آن در رفتار به صورت مستمر نیز در تثبیت و افزایش درجات ایمان تأثیر دارد. بنابراین از جمله عواملی که می‌تواند شخصیت افراد را در ابعاد گوناگون تقویت کند و به فراهم‌سازی زمینه ظهور کمک نماید، پرورش صفات اخلاقی در آنان است. از نمونه‌های مصداقی رفتارهای اخلاقی که در احادیث رابطه آن‌ها با شخصیت دینی و اعتقادی مطرح

۱. امام صادق علیه السلام: الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارِهِمْ وَ تَرَاحِمِهِمْ وَ تَعَاظِفِهِمْ كَمِثْلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَ الْخَمَى.

(اهواری، ۱۴۰۴: ۳۹)

۲. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ». (حجرات: ۱۰۰)

شده، می‌توان به حسن ظن،^۱ حق‌پذیری و ترجیح عملی حق بر باطل و پایمال نکردن حق دیگران،^۲ اصلاح میان مردم،^۳ راستی،^۴ کنترل خشم،^۵ تقوا، ورع، گناه نکردن^۶ و غیرت^۷ اشاره کرد.

۲. معرفی تجربیات و الگوهای برتر مهدوی

از جمله راهبردهای اجتماعی زمینه‌ساز ظهور، ارائه الگوهای عملی به افراد توسط فرهیختگان جامعه و به خصوص عامل بودن متدینین به دین، به‌ویژه نمود عملی پارسایی و کوشش برای انجام کارهای مورد پسند امام زمان علیه السلام توسط افراد جامعه و زدودن تحکم و اجبار و حاکمیت بخشیدن به عقلانیت و حاکم‌سازی محبت در جامعه است. ترمیم و اصلاح آسیب‌های شناختی، عاطفی و رفتاری افراد از طریق توجه به مراکز و اماکن مذهبی در ارتباط با اولیای الهی می‌تواند در سلامت روانی و فکری آنان تأثیرگذار باشد.

اگرچه مهدویت تبلورهای اجتماعی بسیاری دارد، ولی جنبه شخصی و تجربی نیز دارد. افراد زیادی با ارتباط معنوی با خدا و اولیای الهی و از جمله امام عصر علیه السلام و راز و نیاز با آنان و انجام فعالیت‌های ارزشی، صفای دل را تجربه می‌کنند و در حالات معنوی خویش غرق می‌شوند که درک آن برای دیگران ممکن نیست. شاید نتوان شمع ناشی از یک کار ارزشی و خیر را به آسانی توصیف کرد، یا رابطه با خداوند و ائمه علیهم السلام را با کلمات بیان کرد. شاید نتوان اثر ذکر و یاد خدا را در زندگی به راحتی تشریح کرد، بلکه هنگامی که فرد این حالات را تجربه می‌کند، به معرفت و عواطفی دست می‌یابد که اثرات عمیق آن را در خود احساس خواهد کرد.^۸

۱. امام صادق علیه السلام: «حُسْنُ الظَّنِّ رَاحَةُ الْقَلْبِ وَ سَلَامَةُ الدِّينِ». (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳: ۱۳۱۶)

۲. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤْتِرَ الْحَقُّ وَإِنْ ضُرَّكَ عَلَى الْبَاطِلِ وَإِنْ تَفَعَّكَ وَأَنْ لَا يَجُوزَ مَنْطِقُكَ عِلْمَكَ». (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۷، ۱۰۶)

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «لَا يُكْمَلُ الْمُؤْمِنُ إِيمَانَهُ حَتَّى يَحْتَوِيَ عَلَى مَائَةِ وَ ثَلَاثِ خِصَالٍ: ... لَا يَقْبَلُ الْبَاطِلَ مِنْ صَدِيقِهِ وَلَا يَزِدُّ الْحَقَّ مِنْ عَدُوِّهِ...». (همو: ۳۱۰)

۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «أَخْبِرْكُمْ أَلَّا يَأْفِضَلُ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، فَإِنَّ فِسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ». (پاینده، ۱۳۶۴: ج ۴۵۸)

۵. امام علی علیه السلام: «الْإِيمَانُ أَنْ تُؤْتِرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ». (شریف رضی، ۱۳۸۷: حکمت ۴۵۸)

۶. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ خِصَالَ الْإِيمَانِ: أَلَدَى إِذَا رَضِيَ لَمْ يَدْخُلْهُ رِضَاةٌ فِي بَاطِلٍ وَإِنْ غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ مِنَ الْحَقِّ وَ لَوْ قَدَّرَ لَمْ يَتَّعَاظَ مَا لَيْسَ لَهُ». (درایتی، ۱۳۴۳: ۳۵)

۷. امام محمد باقر علیه السلام: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ صُونُوا دِينَكُمْ بِالْوَرَعِ». (حیدری، ۱۳۸۲: ج ۱۸۸)

۸. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «الْغَيْزَةُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْمِذَاءُ مِنَ الْيَفَاقِ». (پاینده، ۱۳۶۴: ج ۲۰۴۵)

۹. امام علی علیه السلام: «التَّجَارِبُ عِلْمٌ مُسْتَفَادٌ». (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳: ج ۱، ۲۶۰)

شخص متربی با توجه به الگوهای برتری که مهدوی زندگی می‌کنند و تمام وجودشان تأسی از امام زمان علیه السلام است، می‌تواند تحول عظیم تربیتی پدیدار کند و به سوی پرورش گرایش‌های فطری خویش از تجربیات برتر مهدوی خداخواهی، کمال‌خواهی، خیرخواهی، عدالت‌خواهی و دیگر ارزش‌های اخلاقی گام بردارد و بفهمد که وی چه جایگاهی در گستره گیتی دارد؛ از کجا آمده است و برای چه آمده و به کجا می‌رود؛ چه نقش‌هایی در این جهان دارد؛ اندیشه نظام‌مندش درباره خویش و نظام آفرینش و زندگی‌اش در این دنیا چیست؛ خداوند را چگونه می‌یابد و مایل است با او چه رابطه‌ای برقرار سازد؛ چه تحلیلی از علاقه‌اش به پروردگار دارد؛ در برابر خداوند و موقعیتش در جهان هستی چه رسالتی برعهده اوست؛ چه تناسبی با اولیای الهی و ائمه هدی علیهم السلام برقرار می‌سازد و می‌خواهد چه نوع رابطه‌ای با دیگر افراد بشر داشته باشد؛ خواستار چه همکاری‌های متقابلی با آنان است؛ آرمان‌های فطری‌اش را در رابطه با خودش (مانند لذت و سعادت‌طلبی)، در رابطه با خدا (مانند پرستش، راز و نیاز و استعانت از خدا) و در رابطه با دیگر انسان‌ها (مانند محبت، احسان و عدالت) و در رابطه با طبیعت و جهان هستی (مانند کشف جهان و بهره‌برداری از آن) چگونه محقق سازد، و در آزمایش عملی و عملکرد دینی به خوبی از عهده برآید.

۳. فرهنگ‌سازی مهدوی

توسعه فرهنگ دینی در محیط زندگی، از جمله راهکارهای مؤثر در تربیت زمینه‌ساز ظهور است. در محیط تعلیم و تربیت، اقدامات زیر می‌تواند به توسعه فرهنگ دینی کمک کند: یکم. معرفی دین به این‌که سمحه سهله است و منظور خدا از وضع احکام که اشاره فرموده: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵)، این نیست که بر آدمی سخت‌گیری کند، بلکه اجرای آن‌ها آسان است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ؛ (متقی هندی، ۱۳۹۷: ج ۱، ح ۳۲۰۹۵)

به دین خنیف هموار آسان مبعوث شدم.

و نیز فرمود:

لَنْ يَرْسُلَنِي اللَّهُ بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ؛ (کلینی، ۱۳۹۱: ج ۵، ح ۴۹۴)

خداوند مرا برای رهبانیت [و سختگیری دادن به خود در انجام عبادت‌های طولانی و شاق] نفرستاده است، بلکه با دینی سهل و آسان فرستاده است.

دوم. برگزاری مباحثات و مناظرات دینی - فرهنگی آزاد، همان‌طور که سیره مستمره رسول

اکرم عَلَيْهِ السَّلَامُ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ چنین بوده است.

سوم. گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، به صورت شایسته در جامعه. اجرای اصل تربیتی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، از راهکارهای بسیار مؤثر در ایجاد تربیت زمینه ساز است. امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید:

المُهْدِيَّ وَ أَصْحَابِهِ... يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۴۷ - ۴۸)

مهدی و یاران او... امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

امر به معروف و نهی از منکر یک اصل تربیتی است که تحقق مراحل آن، هماهنگ با شرایط اجرایی اش، از ناهنجاری های اجتماعی می کاهد و بهداشت روانی، به ویژه سلامت معنوی افراد در جامعه را ارتقا می دهد. امر به معروف و نهی از منکر از جمله فرایض دینی و از ضروریات اسلام است (خمینی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۳۹۷) که جامعه دینی را پر نشاط می سازد، و در صورت اهتمام مردم و مسئولان به این وظیفه شرعی، بسیاری از زشتی ها از جامعه رخت برمی بندد و ارزش های دینی و انسانی حاکم می شود. یکی از جهاتی که قرآن بر اصل تربیتی امر به معروف و نهی از منکر، تأکید دارد^۱، این است که با اجرای این اصل، احساس مسئولیت نسبت به دیگر انسان ها و جامعه در هر فرد احیا می گردد؛ دیگر خواهی رشد یافته و تمایل به خوبی ها و ارزش های اخلاقی شکوفا می شود و پرورش می یابد؛ عواطف انسانی در راستای حفظ و ارتقای سلامت روانی هم نوعان، بسیج می شود و هر فردی نقش خود را در کاهش تخلفات قانونی و جلوگیری از بزهکاری های اجتماعی و اثرگذاری در مدیریت بهینه اجرای قوانین جامعه ایفا می کند. همچنین فرد در حفظ امنیت، جلوگیری از بحران های اقتصادی و فقر، تأمین نیازمندی های گوناگون جامعه و اموری از این دست می کوشد و زمینه اقامه حاکمیت ارزش های مهدوی و مجموعه وظایف و رسالت های انسانی را فراهم می سازد^۲؛ وظایفی که لازمه ایمان است و باعث جذب رحمت خاص پروردگار می شوند^۳.

۱. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ (آل عمران: ۱۰۴)
۲. امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ. (کلینی، ۱۳۹۱: ج ۵، ۵۵)
۳. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ». (توبه: ۷۱)

۴. آسیب‌شناسی با هدف آسیب‌زدایی

در عصر حاضر که جامعه ما به شکل روزافزونی به موضوع انتظار و ظهور روی آورده است، ضرورت شناسایی آسیب‌ها، آفت‌ها و برداشت‌های نادرست، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود و لازم است ضمن ترویج و توسعه فرهنگ انتظار، آموزش داده شود که چه اموری مهدوی نیست. چه بسیار اندیشه‌های نادرست در زمینه مهدویت و زمینه‌های ظهور که به مهدویت آسیب می‌زنند و باید آسیب‌زدایی کرد و راه‌های مقابله با آن‌ها را آموزش داد. اکنون به تعدادی از راهکارهای مقابله‌ای با آسیب‌ها پرداخته می‌شود:

الف) مرزشناسی

از جمله راهبردهای در تربیت مهدوی، «مرزشناسی» است و حاکی از آن است که باید در جریان طبیعی زندگی، در رویارویی با بدی‌ها و نادرستی‌ها، توانایی تبیین و تفکیک میان خوبی و بدی یا درستی و نادرستی را به صورت مدلل در متربیان فراهم آورد و به این ترتیب، زمینه مهارگرایش‌های آنان به بدی و نادرستی را مهیا کرد. مرزشناسی با تقوای حضور ملازم است، نه با تقوای پرهیز. بر این اساس، بهره‌وری از مهدویت در امر تربیت، در دو صورت آسیب‌زا خواهد بود؛ هنگامی که فهم ما از این اصل اعتقادی و عمل ما در پرتو آن، به صورت حصاربندی جلوه‌گر شود و هنگامی که موضع ما نسبت به آن، به حصارشکنی بینجامد.

در شکل نخست از آسیب‌زایی، تصور و برداشتی ایستا از مهدویت و انتظار مهدی علیه السلام وجود دارد؛ به این معنا که دو صف حق و باطل، هر یک با پیروان خود، برقرارند تا زمانی که ظهور رخ دهد و باطل مضمحل شود. در این فاصله، پیروان حق باید بریده و برکنار از پیروان باطل، «انتظار» بکشند تا لحظه وقوع واقعه فرارسد. در این تصور، دوران غیبت، به مثابه «اتاق انتظار» است که باید در آن به دور از اهل باطل نشست و منتظر بود تا صاحب امر بیاید و کار را یکسره کند. تلاش افراد در این جا برای دور نگاه داشتن و مصون داشتن خود و دیگران، از اهل باطل است. پیامد چنین فهمی از مهدویت، به صورت تربیت قرنطینه‌ای آشکار می‌گردد که در آن می‌کوشند افراد را با کنار کشیدن از معرکه، همراه با انتظاری انفعالی، مصون نگاه دارند. این پیامد تربیتی، گونه‌ای آسیب‌زا از تربیت را نشان می‌دهد؛ زیرا منطق حصاربندی بر آن حاکم است که عبارت از افزایش آسیب‌پذیری فرد از طریق دور نگاه داشتن وی از مواجهه است. اما این آسیب‌زایی، خود از کژفهمی نسبت به مهدویت نشأت یافته است (باقری، ۱۳۸۰:

شکل دوم از آسیب‌زایی، حصارشکنی است که در مقابل حصاربندی قرار دارد. در حالی که در حصاربندی، مرزهای آهنین می‌گذارند، در حصارشکنی، هر مرزی را برمی‌دارند و بی‌مرزی را حاکم می‌کنند. حاصل این امر، بروز التقاط‌های ناهمخوان میان اندیشه‌های حق و باطل است. آسیب‌زایی حصارشکنی در تربیت مهدوی این است که درست و نادرست، یک‌جا خوراک افراد تحت تربیت می‌شود و این خوراک ناجور، نه تنها رشدی را سبب نخواهد شد، چه بسا مسمومیت و هلاکت در پی داشته باشد. نمونه این بی‌مرزی و التقاط در عرصه مهدویت، آن است که کسانی معتقد شوند مهدی اسم خاصی برای فرد معینی نیست، بلکه نمادی کلی برای اشاره به چیرگی نهایی حق و عدالت بر باطل و بیدادگری است و مصداق این نماد می‌تواند هر کسی باشد. در روایات مربوط به مهدویت، این‌گونه حصارشکنی به دیده منفی نگریسته شده است. بنابراین، در روایات بسیاری بر این نکته تأکید شده است که مهدی عجله الله تعالی فرجه نام شخص معینی است. برای مثال، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

مهدی مردی از عترت من است که برای [برپایی] سنت من می‌جنگد، چنان‌که من برای وحی جنگیدم. (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۲۳۲)

نه تنها بر این نکته تأکید شده است که باید به مهدی چون نام خاص فرد معینی اعتقاد ورزید، که خداوند رسالت حاکمیت بخشیدن به حق و عدالت را به عهده وی گذاشته است، بلکه به طور کلی باید در دوران غیبت، دین و آموزه‌های اصیل آن را بازشناخت و بر آن پای‌ورزی کرد. این امر نیز نشان‌گر نادرستی مرزشکنی و درآمیختن حق و باطل در دوران غیبت است. این مرزشناسی شامل مواردی از این قبیل است: شناخت مهدی عجله الله تعالی فرجه چون شخصی معین، شناخت رسالت وی در برپایی حق و عدالت، شناخت حقانیت آموزه‌های دین اسلام که وی آن را به جهانیان عرضه خواهد نمود، آشنایی با جریان‌های فکری مختلف که سودای برقرار ساختن حق و عدالت در جوامع بشری و نیز توانایی بازشناسی میزان درستی و نادرستی آن‌ها و توانایی در میان گذاشتن محققانه باورهای خود با آن‌ها را در سر دارند. پیرو مهدی عجله الله تعالی فرجه با تربیت شدن برای زیستن در چنین محیطی باز، از انتظار انفعالی ظهور وی به دور خواهد بود و در ارتباط سازنده با جریان‌های فکری دیگر، انتظاری پویا را نسبت به ظهور، آشکار خواهد ساخت. انتظار پویا به معنای فراهم ساختن فعالانه زمینه‌های ظهور است (باقری، ۱۳۸۰: ۲۳۱ - ۲۳۳).

ب) پرورش عقل‌ورزی در متریان

از آن‌جا که آموزه‌های دینی و از جمله مهدویت مبتنی بر ادراکات عقلی است، پرورش عقل‌ورزی در متریان، سبب می‌گردد مسائل مهدوی به خوبی تفهیم شود، ایمان به مهدویت در آنان تقویت گردد، وظایف خود را در زمینه‌سازی ظهور، به شایستگی درک کنند و برای عملیاتی کردن آن، بسترهای لازم را فراهم سازند. آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی از آموزه‌های مهدوی، با رشد عقلانی مردم میسر است. از این‌روست که در قرآن کریم و احادیث بر لزوم عقل‌ورزی و تقویت و افزایش توانمندی‌های عقلانی بسیار تأکید شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

العقل غریزة ترید بالعلم والتجارب؛ (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳: ج ۲، ۳۲)
عقل استعدادی طبیعی است که با علم و تجربه افزایش پیدا می‌کند.

افزایش توانمندی‌های عقل به وسیله علم و تجربه است. پرورش خرد سبب می‌شود افراد حقایق هستی، اهداف زندگی، درستی و نادرستی راه‌ها را بیابند و فضایل را که در عقل متکامل است، در خویش رشد دهند و از جهل و نادانی‌ها و ضد ارزش‌ها فاصله گیرند. تربیت جامعه و تزیین آن به ۷۵ ویژگی عقل و مقابله کردن با ۷۵ صفت ضد آن^۱ از وظایف زمینه‌سازان حکومت ولی عصر علیه السلام است. این پرورش و تعالی عقلی است که زمینه را برای پذیرش ولایت مهدی، ایمان و صالح عمل کردن فراهم می‌سازد.^۲

وجود عقل در وجود انسان یکی از نعمت‌های بزرگی است که خداوند متعال در وجود انسان به ودیعت نهاده است و وجه تمایز انسان با سایر موجودات همین عقل و تفکر انسان است (مطهری، ۱۳۷۲: ۸۷). از جمله ویژگی‌های یک انسان شایسته این است که از این نعمت الهی کمال استفاده و بهره‌وری را نماید تا بدین وسیله خود را به سعادت برساند. یکی از علل مهمی که انسان‌ها راه شقاوت و گمراهی را می‌پیمایند این است که از نیروی عقل خود استفاده نمی‌کنند و هوی و هوس را بر آن مقدم می‌دارند و در نتیجه قدردان این نعمت الهی نیستند و خود را به نازل‌ترین درجه حیوانیت می‌رسانند، چنان‌که قرآن کریم کسانی را که از نیروی عقل خود غفلت می‌کنند و با هواپرستی و شیفتگی به دنیا، در مسیر هلاکت قرار می‌گیرند، بدترین موجودات معرفی می‌نماید و چنین می‌فرماید:

۱. اشاره به حدیث جنود عقل و جهل است (کلینی، ۱۳۹۱: ج ۱).
۲. امام حسن علیه السلام: یَدِیْنُ لَهُ عَزْضُ الْبِلَادِ وَ طَوْلُهَا لَا یَبْقَى کَافِرٌ إِلَّا أَمَنَ بِهِ وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ. (طبرسی، ۱۴۱۳: ۲۸۳)

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾؛ (انفال: ۲۲)

قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا، کران و لالان [معنوی] هستند که نمی اندیشند.

بی‌گمان توجه به عقل و منطق، از جمله ویژگی‌های اساسی دین مقدس اسلام است و دستورات و احکام اسلامی نیز با عقل سلیم بشری مطابقت کامل دارد. در اسلام نمی‌توانیم هیچ حکم الهی را بیابیم که با عقل و منطق ناسازگار باشد. در تربیت انسان نیز یکی از اصول تربیتی اسلام، همین است که تمامی فرایند تربیت باید با عقل مطابق باشد و چیزهایی که بر ضد قوانین عقلی و برای حیات و سعادت انسان خطرناک باشد، همانند برخی از دستورات و احکام به ظاهر دینی جهان غرب و مکاتب انحرافی لیبرالیست - دموکرات و مانند آن، از حیطة دستورات تربیتی اسلام خارج‌اند (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۹۷ - ۱۰۲). انطباق کامل فرایند تربیت انسان با عقل و توجه و عنایت کامل به این گوهر ناب موجود در انسان در آموزش و پرورش بشر، یکی از دستاوردهای بزرگ نظام تربیتی مهدوی به شمار می‌رود، به طوری که در دوران ظهور، عقل محوری در تربیت انسان (با پشتوانه دین و شریعت) به اوج خود می‌رسد و در چنین شرایطی است که بهترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها و راهکارهای تربیتی به روی بشر باز خواهد شد و دستاوردهای عقلی بشری با تمام ظرفیت‌های موجود به جای اتلاف در راه‌های غیر ضروری و مضر، در راه سعادت و تکامل و تربیت صحیح انسان‌ها هزینه می‌شود، چنان‌که امام باقر علیه السلام درباره گرایش به عقل و منطق و شکوفایی عقلی بشری در مکتب تربیتی مهدوی چنین فرموده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَعَّ يَدُهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛

(مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۳۶)

زمانی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر مردم می‌گذارد و بدان وسیله عقل آنان را شکوفا ساخته و اخلاقشان را الهی می‌سازد.

البته نباید فراموش کرد که اگر در تربیت اسلامی و مهدوی، از عقل‌ورزی و گرایش به آن در همه ابعاد تربیت، سخن به میان می‌آید، منظور همان عقل و منطق و تدبیری است که انسان‌ها به سبب آن، با خدا رابطه‌ای عمیق برقرار می‌سازند و تسلیم اوامر اویند و از راه بندگی و عمل به آموزه‌های دینی مسیر سعادت را می‌پیمایند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام درباره معنای واقعی عقل محوری اسلامی چنین می‌فرماید:

الْعَقْلُ ... مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسِبَ بِهِ الْحَيَاتَانُ؛ (کلینی، ۱۳۹۱: ج ۱۱، ۱)

عقل چیزی است که خداوند با آن عبادت می‌شود و بهشت‌های [اخروی] با آن به

دست می‌آید.

ج) عدم کمال‌گرایی غیرواقع‌گرا و سهل‌انگاری

کمال‌گرایی غیرواقع‌گرا این است که از همه پیروان حضرت مهدی علیه السلام انتظار واحدی داشته باشیم و بخواهیم افراد ضعیف‌الایمان هم با همه مشکلاتی که دارند، برای زمینه‌سازی اقدام کنند. توضیح مطلب آن است که مهدی علیه السلام عهده‌دار رسالتی سخت و سترگ است. تلاش گسترده در سطح جهان برای زدودن ظلم و بی‌عدالتی و نشان دادن حق و عدالت براریکه قدرت، کاری به غایت دشوار است؛ زیرا مستلزم بازستاندن قدرت از دست مدعیان دروغین و جسور آن خواهد بود. از این رو امام مهدی علیه السلام با مقاومت‌های بسیاری روبه‌رو خواهد شد و ناگزیر، جنگی جانکاه در پیش خواهد داشت. خداوند چنین مقدر نکرده است که آن حضرت این رسالت را به تنهایی و تنها با مدد غیبی به انجام رساند، بلکه نظر بر آن بوده است که بشر درگیرودار این رخداد عظیم، خود نیز تحول یابد و در تعیین سرنوشت تاریخی خویش نقش‌آفرینی کند. به هر روی، کسانی خواهند توانست خود را برای این یآوری آماده کنند که ظرفیتی عظیم در خویش سراغ گیرند. از همین رو صفات برجسته‌ای برای یاوران مهدی علیه السلام ذکر شده است، چنان‌که از امام صادق علیه السلام در وصف شجاعت آنان آمده است:

... وَ رَجَالٌ كَانَتْ قُلُوبُهُمْ زُبُرًا حَدِيدًا؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۳، ۱۸۰)

... و مردانی که گویی دل‌های شان پاره‌های بیولاد است.

هم‌چنین ابوالجارود به نقل از امام باقر علیه السلام گوید:

إِذَا سَمِعْتُمْ بِهِ فَاْتُوهُ وَ لَوْ حَبْوًا عَلَى التَّلْحِ؛ (نعمانی، ۱۳۷۶: ۲۲۲)

چون شنیدید ظهور کرده است، نزد او بروید، اگرچه کشان‌کشان بر روی برف و یخ باشد.

این بیان حاکی از آن است که یاران امام، چنان نستوه‌اند که اگر لازم باشد خود را به این نحو نیز به وی برسانند، به آن مبادرت خواهند کرد. در نظر بودن چنین غایت بلندی در مسئله مهدویت، زمینه‌ساز آسیب‌تربیتی کمال‌گرایی غیرواقع‌گرا می‌گردد. این آسیب چنین آشکار می‌گردد که مربیان، بدون توجه به وسع فهمی و عملی افراد، آنان را از همان ابتدا به فتح این قله عظیم فراخوانند. آسیب این‌گونه کمال‌گرایی، به صورت اعراض کلی فرد از مقصد و مقصود آشکار می‌گردد و این در جریان تربیت، نقض غرض خواهد بود؛ زیرا فراخواندن افراد به کمال، برای آن است که آنان از وضعیت کنونی خویش، به سوی نقطه‌ای فراتر حرکت کنند. اما

هنگامی که این امر به صورت غیرواقع بینانه صورت گیرد، فرد را از اصل حرکت منصرف می‌سازد. مربی باید بداند که هر کسی برای آن ساخته نشده است که بتواند یا ورخاص مهدی علیه السلام باشد و نمی‌توان همگان را در این حرکت، به قله نشانده. با این حال، چنین نیست که این‌گونه افراد، جایی در کاروان بلنددامنه نصرت مهدی علیه السلام نداشته باشند.

آسیب، سهل‌انگاری در مقابل کمال‌گرایی غیرواقع‌گراست. سهل‌انگاری در قلمرو مهدویت، این‌گونه آشکار می‌گردد که جایی برای آن در ذهن و ضمیر فرد فراهم نیاید و به تبع آن، نقشی برای آن در تحول شخصیتی وی وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر، در این قطب، مسئله مهدویت در منظومه تربیت دینی، به کنج تغافل یا غفلت می‌افتد و هیچ نقشی برای آن در جریان تربیت دینی در نظر گرفته نمی‌شود (باقری، ۱۳۸۰: ۲۳۴ - ۲۳۸).

راهکار این آسیب در تربیت مهدوی، آسان‌گیری است. آسان‌گیری از معایب هر دو شکل کمال‌گرایی غیرواقع‌گرا و سهل‌انگاری به دور است؛ زیرا در عین حال که در آن به کمال نظر هست، وسع فرد نادیده گرفته نمی‌شود و در عین حال که در آن، سهولت در کار است، غفلت در میان نیست. در تربیت مهدوی باید آسان‌گیری را چون یکی از شاخص‌ها در نظر گرفت. در آسان‌گیری، باید نخست به حدود وسع فهمی و عملی فرد توجه نمود و آن‌گاه با نظر به این حدود، حرکت وی را تسهیل کرد. امام علی علیه السلام در حدیثی از امام مهدی علیه السلام یاد کرده است و خطاب به حذیفه بن یمان می‌فرماید:

يَا حَذِيفَةُ! لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِمَا لَا يَعْلَمُونَ فَيَظَعُوا وَيَكْفُرُوا إِنَّ مِنَ الْعِلْمِ صَعْبًا شَدِيدًا
مَحْمَلُهُ لَوْ حَمَلْتَهُ الْجِبَالَ عَجَزْتَ عَنْ حَمَلِهِ إِنَّ عِلْمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ سَيُنْكَرُوا وَيُبْطَلُ وَتُقْتَلُ
رُؤُؤُهُ؛ (نعمانی، ۱۳۷۶: ۲۰۲)

ای حذیفه، با مردم آن‌چه را نمی‌توانند بدانند (نمی‌فهمند) نگو؛ که سرکشی کنند و کفر ورزند. همانا برخی از دانش‌ها سخت و گران‌بار است که اگر کوه‌ها آن را بر دوش کشند، از تحمل آن ناتوانند. به زودی علوم ما اهل بیت انکار می‌شود و باطل خوانده می‌شود و راویان آن کشته می‌شوند.

د) تبیین آن‌چه مهدویت نیست (حقیقت‌پذیری)

گرایش به مقدس جلوه دادن هر ادعایی در ارتباط با امام عصر علیه السلام و پذیرش افرادی که مدعی رویت و ارتباط هستند و معنوی و ماورایی تلقی کردن آنان، از جمله آسیب‌های تربیتی زمینه ظهور است. این نوع نگرش خرافه‌پردازی است. خرافه‌پردازی هنگامی است که حقایق ماورای طبیعی مهدویت، دستخوش عوام‌زدگی می‌گردد و سوداگران و خامی‌عامیان، بستر

مناسبی برای خرافه‌پردازی فراهم می‌آورد. هرچند امکان رؤیت امام زمان علیه السلام یا رؤیاهای مربوط به آن حضرت در اصل، منتفی نیست و برخی از اخبار، حاکی از دیدن آن حضرت توسط بعضی از بزرگان بوده است، اما اندک نیست داستان‌های بی‌اساسی که به این مسئله پرداخته‌اند (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۴: ۱۸۲ - ۱۸۵). آسیب‌زدایی این آسیب به این است که مریبان تربیت مهدوی خود، گرایش عوامانه به پذیرش این اباطیل نداشته باشند و با چنین روی‌آوری‌های اعتقادی خلاف حقیقت، روشن‌گری و مقابله نمایند.

همچنین تفسیرهای مادی از مهدویت و انکار حقیقت معنوی و الهی آن، از آسیب‌های تربیتی زمینه‌ساز ظهور به شمار می‌رود. این آسیب از آن جاست که امور، همواره اموری طبیعی نگریسته می‌شوند و ردپای هر امر ماورای طبیعی در آن‌ها محو می‌گردد. نمونه این نوع نگرش، تفسیر این خلدون از اخبار مربوط به مهدی علیه السلام است. وی کوشیده است بر اساس دیدگاه فلسفی خود در باب جامعه بشری، مهدویت را تفسیر کند. از نظر وی، عصبیت، اساس حکومت و نظام اجتماعی بشری را می‌سازد و بر این اساس، می‌گوید چون عصبیت فاطمی و به طور کلی، عصبیت قریش از میان رفته و بعید است که فردی به دنیا آمده باشد و عمر بسیار طولانی کند، ظهور مهدی علیه السلام از خاندان فاطمه علیها السلام و به یادداشتن حکومتی مقتدر و جهانی را ممکن ندانسته است. از این رو، وی به این تفسیر روی می‌آورد که مراد از ظهور مهدی، پیدایش حکومتی مبتنی بر اتحاد قبایل سادات اطراف مدینه و حجاز است (حضرمی، ۱۳۴۵: ۷۲۶).

راهکار زدودن این آسیب در تربیت مهدوی، پذیرش حقیقتی ماورایی است که اراده خدا بر آن تعلق گرفته و روایات بسیاری که فریقین درباره مشخصات دقیق حضرت مهدی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند و این که مهدی از نسل دختر رسول الله صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام و فرزند چندم هریک از ائمه از علی و حسین تا حسن عسکری علیه السلام است؛ و او غیبت صغرا و کبرا دارد، این آسیب‌زدایی جایی برای چنین تفسیرهای مادی‌گرایان باقی نمی‌گذارد.

هـ) ظلم ستیزی و نه ظلم پذیری

از آسیب‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور، آموزش مهدویت به صورتی است که با سیاست‌های حکومت‌های جائرانه زمانه هماهنگ است. مانند این که تا ظلم زیاد نشود امام زمان علیه السلام نمی‌آید. از این رو نه تنها باید تا زمان ظهور دست روی دست گذاشت و با هیچ ستمگری مبارزه

۱. امام محمد باقر علیه السلام: المهدی رجل من ولد فاطمة. (نعمانی، ۱۳۷۶: ۱۸۷)

نکرد، بلکه باید به اشاعه ستم دامن زد. چنین محتوای آموزشی از مهدویت، سبب می‌شود نسل جدید و جوان با مهدویت ارتباط برقرار نکند و احساس شود که مهدویت برای نسل جدید کارایی ندارد. همچنین وقتی حکومت امام زمان عجل الله فرجه برجیننده حکومت‌های دموکراسی معرفی می‌شود، نسل جدید که بر اساس آموزش‌ها در مدارس، دموکراسی را بهترین حکومت‌ها می‌داند و هیچ حکومتی برتر از آن برایش تعریف نگردیده است، نه تنها با مهدویت ارتباط مثبت برقرار نمی‌سازد، بلکه در برابر آن جبهه‌گیری می‌کند. برای پیش‌گیری متربیان از ابتلا به این آسیب و تصحیح و تکمیل اطلاعات نسل جدید تحت تأثیر تهاجم فرهنگی و آموزش‌های انحرافی از مهدویت، باید به آموزش درست از مهدویت پرداخت و تبیین کرد که چون فطرت آدمی بر بی‌زاری از ستمگری سرشته شده است و آموزه‌های اسلامی که همه نمودهای فطرت آدمی است بر تبری از ستم و ستمگری تأکید ورزیده است^۱. خدا و اولیای دین، هرگز بر اشاعه ظلم رضایت نداده‌اند، بلکه مبارزه با ستم و ستمگر را در هر سطوحی که ممکن باشد واجب و ضروری دانسته‌اند^۲ و همه مؤمنان موظف شده‌اند به اندازه توان خویش امکانات مبارزه با ظلم را فراهم سازند و مبارزه با ظلم به عنوان برترین جهاد در راه خدا یاد شده است^۳. در فرهنگ دینی، ظالم «عدو الله» است و تبری و مقابله با دشمن خدا از مهم‌ترین وظایف مؤمنان تربیت شده بر اساس تربیت اسلامی به شمار می‌رود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۹، ۱۳۱). همچنین از مسئولیت‌های بسیار بزرگ حضرت ولی عصر عجل الله فرجه مبارزه با ظلم و مقابله با حکومت‌های جائر است^۴. وی برای تحقق این هدف والای ارزشی و الهی و حاکمیت عدالت منطبق با کتاب خدا^۵ و با بسیج مردمی و امدادهای الهی، درصد براندازی همه حکومت‌هایی است که آشکارا یا پنهانی و چه بسا با عناوین حکومتی همچون عدالت و دموکراسی، ستم روا می‌دارند. از آموزش‌های زمینه‌ساز ظهور، شفاف‌سازی نسبت به حکومت‌های به اصطلاح دموکراسی معاصر است. متربی باید بداند که دموکراسی حاکم بر جهان غرب از جمله حکومت‌های جائر است که

۱. بَرُنْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَانِهِمْ... يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ... وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۸، ۲۹۴)

۲. پیامبر اکرم ص: اَتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّهُ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (کلینی، ۱۳۹۱: ج ۲، ۳۳۲)

۳. رسول خدا ص: أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهُمُّ بِظُلْمِ أَحَدٍ. (برقی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۱۹۲)

۴. ثُمَّ الْمُتَنَطَّرُ بَعْدَهُ اسْمُهُ اسْمُ النَّبِيِّ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْتَنِبُهُ... يَكْشِفُ اللَّهُ بِهِ الظُّلْمَ وَيَجْلُو بِهِ الشَّكَّ وَالْعَمَى يَزْعَى الدُّنْبُ فِي أَيَّامِهِ مَعَ الْعَنَمِ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۶، ۲۱۹)

۵. يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (همو: ج ۵۱، ۵۳)

بر اساس سیاست‌های استکباری و با تخریر اذهان عمومی و با شیوه‌های مدرن و غیرمستقیم و با هدف استثمار و بهره‌کشی سردمداران سرمایه‌داری، به تضييع حقوق توده مردم در کشورهای خود و در سراسر جهان می‌پردازند. قیام مهدوی برای مقابله با این سیاست‌ها، و ستمگری‌هاست و هر حکومت یا گروهی که ستمگری نداشته باشد و به حقوق مردم احترام گذارد مورد تأیید حکومت عدالت‌محور مهدوی است.

و پذیرش حکومت عدل مهدوی و نه تحریم هر حکومت

از آسیب‌های تربیت مهدوی این است که باور به حکومت عدل حضرت ولی عصر علیه السلام با تحریم هر حکومتی پیش از آن، ملازم دانسته شود و اعتقاد بر این استوار گردد که پیش از حکومت مهدی علیه السلام هیچ حکومتی نمی‌تواند حکومت عدل باشد و هیچ کس حق حکومت ندارد. چه بسا این آسیب برآمده از تفسیری نادرست از برخی از روایات مربوط به مهدویت است. برای مثال، مالک بن اعین از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

كُلُّ رَأْيَةٍ تَرْفَعُ [أَوْ قَالَ تُخْرِجُ] قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ علیه السلام صَاحِبِهَا طَاغُوتٌ؛ (نعمانی، ۱۳۷۶: ۱۱۵)
هر پرچمی که پیش از پرچم حضرت قائم علیه السلام برافراشته گردد صاحب آن طاغوت است.

از این روایت چنین برداشت کرده‌اند که پیش از قیام مهدی علیه السلام هیچ حکومت عدلی برقرار شدن نیست؛ در حالی که گرچه حکومت حضرت مهدی علیه السلام مثل اعلامی عدالت است، اما پیش از او هر حکومت عدلی که برپا می‌شود، به هر میزان که از عدل برخوردار است، به این مثل اعلی می‌تواند نزدیک باشد و به اندازه عدالتش از مقبولیت و مشروعیت برخوردار گردد. افزون بر این، مقصود این روایت آن است که هر کس با ادعای امامت و ایفای نقش مهدی علیه السلام قیام کند، او طاغوت است. از این رو، امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

وَمَنْ ادَّعى اِلمَامَةَ مِنْ اللهِ وَ لَيْسَ بِاِمَامٍ فَهُوَ كَافِرٌ؛ (همو: ۱۱۶)
هر کس مقام ما (امامت) را ادعا کند، کافر [یا مشرک] است.

بر این اساس، تفسیر و ترویج مهدویت، به این عنوان که هر حکومتی پیش از حکومت مهدی علیه السلام طاغوت است، فهمی آسیب‌زا از مهدویت به شمار می‌آید. پیامد عملی چنین فهمی، تلاش نکردن برای برقراری حکومت عادلانه، پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام است و حاصل عملی آن، تمکین نسبت به هرگونه حکومت جورپیشه خواهد بود.

نتیجه

انتظار به معنای زمینه‌سازی برای ظهور است و رسالت منتظران، تحقق جامعه‌ای است که زمینه‌ساز ظهور امام علیه السلام باشد. تربیت زمینه‌ساز، تربیتی است که چنین جامعه‌ای را می‌سازد و شرایط لازم برای پذیرش ولایت و حاکمیت حضرت مهدی علیه السلام را در فرد و جامعه فراهم می‌آورد. البته تربیت زمینه‌ساز همان تربیت اسلامی است و عنوان زمینه‌ساز فقط بر جایگاه امام در تربیت تأکید دارد. در مبانی و گزینش اهداف، محوریت امام مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد. بنابراین مهدویت و تربیت از این جهت ارتباطی نزدیک و پیوندی عمیق با هم دارند که تربیت صحیح، زمینه‌ساز ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام است که می‌تواند با پرورش نیروهای مخلص و معتقد به مهدویت، زمینه قیام آن حضرت را فراهم کند؛ از این رو قرار گرفتن در زمره اصحاب امام زمان علیه السلام تربیت اسلامی و قرآنی می‌خواهد که بر اساس آن، اندیشه، اخلاق و رفتار صحیح را به جامعه ارائه دهد تا افراد صالحی از میان اجتماع پدید آیند و صلاحیت یاری ایشان را کسب کنند. چنین کاری نیازمند برنامه‌ریزی و اجرای راهکارهای تربیتی تمهید شرایط رشد شخصیت افراد، معرفی تجربیات و الگوهای برتر مهدوی، فرهنگ‌سازی مهدوی و آسیب‌شناسی با هدف آسیب‌زدایی و رفع موانع پرورش معنوی از جامعه است تا زمینه رشد روحی افراد فراهم گردد و بدین وسیله به تدریج زمینه ظهور مهدی علیه السلام آماده شود.

راهکارهای تربیتی برای زمینه‌سازی ظهور فراوان است که در این پژوهش به بررسی و معرفی راهکارهای چهارگانه مطرح شده در آیات و احادیث پرداخته شد. با توجه به این راهکارهای چهارگانه، پیشنهاد می‌شود کارشناسان و متولیان امور فرهنگی - تربیتی که در رأس هرم عوامل فرهنگ‌سازی دینی هستند، بکوشند مجموعه خواسته‌های سرشتی خداخواهی، کمال، آرامش، اخلاق انسانی، عزت‌مندی، جاویدطلبی، نوع‌دوستی و گوهرهای ناشناخته را به خوبی شناسایی و استخراج کرده و راه‌های عملی شدن آن را در جامعه معرفی نمایند تا شاهد آن باشیم که نیروهای بالقوه بسیاری که درآموزه‌های وحیانی دین خاتم وجود دارند در مسیر ساختن انسان و جامعه مهدوی به فعلیت درآیند.

منابع

- آمدی تمیمی، عبدالواحد، *غررالحکم و دررالکلم*، شرح: محمدتقی خوانساری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
- اهوازی، حسین بن سعید، *المؤمن*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۴ ق.
- آیتی، نصرت الله، «مفهوم شناسی اصطلاحی جامعه زمینه ساز»، فصل نامه *مشرق موعود*، ش ۲۰، قم، مؤسسه آینده روشن، زمستان ۱۳۹۰ ش.
- باقری، خسرو، «آسیب شناسی تربیتی مهدویت»، فصل نامه *انتظار موعود*، سال اول، ش ۱، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
- برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، تحقیق: مهدی رجایی، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۳ ق.
- پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحة*، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۴ ش.
- توانا، محمدعلی؛ مولوی نسب، ملیحه، «وضعیت پست مدرنیسم و ارزش ها: نسبت سنجی هستی شناسی و معرفت شناسی پست مدرنیسم با تعلیم و تربیت اسلامی»، دوفصل نامه *اسلام و پژوهش های تربیتی*، سال چهارم، ش ۲، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱ ش.
- حرّانی (ابن شعبه)، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- حضرمی (ابن خلدون)، عبدالرحمن بن محمد، *مقدمه*، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۴۵ ش.
- حیدری، کمال، *التربية الروحية: بحوث في جهاد النفس*، تهران، دارالفراق، ۱۳۸۲ ش.
- خمینی، سید روح الله، *تحریر الوسيلة*، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- درایتی، محمد حسین؛ محمودی، ضیاء الدین، *الاصول الستة عشر من الاصول الاولية*، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۴۳ ش.
- سهرابی، فرامرز، *مهدویت و فلسفه تاریخ*، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۹ ش.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم، انتشارات جمال، ۱۳۸۷ ش.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر فی امام الثانی عشر علیه السلام*، قم، مؤسسه سیده المعصومه علیها السلام، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.

- طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، تحقیق: ابراهیم بهادری و محمد هادی به، تهران، دارالاسوة، ۱۴۱۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- فرمینی فراهانی، محسن، *تربیت در نهج البلاغه*، تهران، آبیژ، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
- فرید تنکابنی، مرتضی، *الحديث*، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- کاوندی، زینب؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی، «عزت نفس، احترامی به ملکوت خویشتن با نگاهی از دریچه روان شناسی و دین»، فصل نامه *طهورا (مطالعات زنان و خانواده)*، سال پنجم، ش ۱۲، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۱ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱ق.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، تحقیق: حسن روزق، تصحیح: صفوة السقاء، بیروت، مکتبة التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ق.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمة*، قم، دارالحديث، ۱۳۷۹ش.
- مطهری، مرتضی، *مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (مجموعه آثار)*، تهران، صدرا، ۱۳۷۲ش.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبة الصدوق، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
- هاشمی شهیدی، اسدالله، *ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان*، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- هوشیار، محمد باقر، *اصول آموزش و پرورش*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۳۵ش.